

آشنایی با معرفت‌شناسی

(ویراست سوم)

منصور شمس



انتشارات هرمس

فهرست

پیش‌گفتار ویراست سوم یازده
پیش‌گفتار ویراست دوم پانزده
فصل صفر: معرفت‌شناسی چیست؟ ۱
۱ درآمد ۱
۲ یک. چرا در باب معرفت انسانی باید نظریه پرداخت؟ ۲
۱۴ دو. معرفت‌شناسی، شکاکیت و جزم گروی ۱۴
۲۰ سه. توسعه در موضوع مورد بحث در معرفت‌شناسی ۲۰
۲۵ چهار. «موضوع مورد بحث» در معرفت‌شناسی ۲۵
۲۷ پنج. اصطلاح «معرفت‌شناسی» ۲۷
۲۹ شش. مستلههای معرفت‌شناسی ۲۹
۳۵ هفت. معرفت‌شناسی و تحلیل فلسفی ۳۵
۴۳ هشت. معرفت‌شناسی و فلسفه‌ی تحلیلی ۴۳
۴۵ نه. نتیجه‌ی بررسی‌های معرفت‌شناختی ۴۵
فصل یک: تحلیل مفهوم معرفت ۵۱
۵۱ درآمد ۵۱
۵۲ یک. مبانی نظری در تحلیل مفهوم معرفت ۵۲
۶۳ دو. تحلیل متعارف در باب مفهوم معرفت گزاره‌ای ۶۳
۷۹ سه. انتقاد از تحلیل متعارف ۷۹
۸۳ چهار. واکنش‌های موردهای نقض گتیه ۸۳

فصل دو: نظریه‌ها در باب مؤلفه‌ی باور ۱۲۵	درآمد ۱۲۵
یک. اصطلاح‌شناسی «باور» ۱۲۷	دو. متافیزیک مؤلفه‌ی باور ۱۲۹
سه. نسبت باور با شواهد و قرایین ۱۴۴	چهار. باور و اراده ۱۵۸
فصل سه: نظریه‌ها در باب مؤلفه‌ی صدق ۱۷۵	درآمد ۱۷۵
یک. مبانی نظری در تحلیل مفهوم صدق ۱۷۶	دو. نظریه‌های صدق ۱۸۹
فصل چهار: نظریه‌ها در باب مؤلفه‌ی توجیه ۲۲۹	درآمد ۲۲۹
یک. مبانی نظری بحث از مفهوم توجیه معرفتی ۲۲۰	دو. نظریه‌های قرینه‌گروانه در برابر نظریه‌های ناقرینه‌گروانه ۲۳۸
سه. نظریه‌های وظیفه‌گروانه در برابر نظریه‌های ناوظیفه‌گروانه ۲۶۳	چهار. نظریه‌های درونی‌گروانه در برابر نظریه‌های برونی‌گروانه ۲۸۱
پنج. نظریه‌ها درباره‌ی ساختار توجیه معرفتی ۳۱۰	
فصل پنجم: منابع معرفت ۳۳۱	درآمد ۳۳۱
یک. ادراک حسی ۳۳۵	دو. حافظه (یاد) ۳۵۰
سه. درون‌نگری ۳۶۳	چهار. عقل ۳۷۲
پنج. گواهی ۳۸۵	
فصل ششم: قلمرو معرفت ۳۹۷	درآمد ۳۹۷

نه فهرست

۳۹۸	یک. شکاکیت فلسفی
۴۰۵	دو. تنواع در مدعای شکاکان
۴۲۲	سه. شکاکیت در باره‌ی جهان بیرونی
۴۳۲	چهار. شکاکیت در باره‌ی اذهان دیگر
۴۳۹	پیوست: تحلیل فلسفی مفاهیم
۴۴۵	منابع
۴۴۵	فارسی
۴۴۶	عربی
۴۴۶	انگلیسی
۴۵۳	نماية موضوع‌ها

پیش‌گفتار ویراست سوم

با همه‌ی فراز و نشیب‌ها، در نهایت ویراست جدیدی (سوم) از آشنایی با معرفت‌شناسی آماده شد و خوشنودم که اکنون آن را به خواننده‌ی گرامی ام تقدیم می‌کنم. از آماده‌سازی ویراست دوم کتاب حدود چهارده سال می‌گذرد و اعتراف می‌کنم بازگشت دوباره به این کتاب از دشوارترین کارهایی بود که تاکنون انجام داده‌ام. وقتی ایده‌ی اولیه‌ی کار مطرح شد، گمان می‌کردم با یکی -دو ماه کار کتاب را ویرایش می‌کنم اما در عمل چنین نشد و کار و توان بسیار بیشتری از پیش‌بینی قبلی صرف انجام تغییرات شد. بی‌فایده نیست اگر به بعضی از ویژگی‌های ویراست سوم اشاره‌ای بکنم؛ هم سازماندهی فصل‌های کتاب در سنجش با دو ویراست قبلی اندکی متفاوت شده و هم در هر فصل به تناسب تغییرهای محتوایی انجام گرفته است.

بعضی تغییرها از این قرار است:

الف. مطالب فصل یکم دو ویراست قبلی، در اینجا به فصل صفر (معرفت‌شناسی چیست؟) منتقل شده و به گمانم مطالبش بیش از چهل درصد تغییر کرده است.
ب. مطالب فصل دوم دو ویراست قبلی، در اینجا در فصل یک (تحلیل مفهوم معرفت) آمده و میزان تغییرهای محتوایی اش را حدود چهل درصد تخمین می‌زنم.

ج. فصل سوم دو ویراست قبلی (نظریه‌ها در باره‌ی مؤلفه‌های معرفت) جایش را به سه فصل جداگانه داده است؛ فصل دو (نظریه‌ها در باب مؤلفه‌ی باور)، فصل سه (نظریه‌ها در باب مؤلفه‌ی صدق) و فصل چهار (نظریه‌ها در باب

مؤلفه‌ی توجیه). حجم مطالب تازه در دو فصل دو و چهار بیش از نود درصد بوده و در فصل سه کمتر از سی درصد نیست. البته فصل چهار طولانی‌ترین فصل کتاب است.

د. کمترین تغییر مربوط به فصل‌های چهارم و پنجم در دو ویراست قبلی است که در اینجا در دو فصل پنج (منابع معرفت) و فصل شش (قلمرو معرفت) آمده است. گمان نمی‌کنم مطالب این دو فصل در مجموع بیش از ده درصد تغییر کرده باشد.

ویژگی دیگر این ویراست استفاده از شکردهایی در تمایز ساختن اصل‌ها، تعریف‌ها و مثال‌های است؛ اصل‌ها، تعریف‌ها و مثال‌ها در هر فصل جداگانه شماره‌گذاری شده است که کار ارجاع را تا اندازه‌ای آسان می‌کند. همچنین، هر فصل ابتداء بخش‌هایی (مانندیک. دو. سه. و ...) تقسیم شده و مطالب هر بخش در زیرمجموعه‌هایش به تناسب (مانند الف. ب. ج. و ...) توزیع شده است. لازم به توضیح است که هرچند در بسیاری موارد امکان افزودن مطالب بیشتری افزوده فراهم بود اما به دلیل تناسب مطالب کتاب با اهداف آموزشی مطلب بیشتری افزوده نشد.

درباره‌ی اهمیت معرفت‌شناسی و نقش آن در فعالیت‌های آکادمیک و زندگی روزمره هم در پیش‌گفتار ویراست دوم و هم در فصل صفر به اندازه‌ی کافی مطالبی آمده و بنابراین نیازی به تکرارشان نیست. در مقایسه با سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۱ که مشغول نوشتن کتاب بودم، هم اینک خواننده‌ی فارسی‌زبان به منابع بیشتری دسترسی دارد و همین امر تا اندازه‌ای مرا در انجام ویراست جدید کم‌انگیزه می‌کرد؛ با این حال، عوامل گوناگون دست به دست هم داد تا کاریکار دیگر به شکل کنونی به بازار کم رونق نشر بیاید. امیدوارم تغییرات به اندازه‌ای بجا و رضایت‌بخش باشد که به خواندن دوباره‌اش بیازد.

از این فرصت استفاده می‌کنم و به همه‌ی دانشوران و دست‌اندرکاران گرامی که در این کاریاری امدادند، صمیمانه سپاس می‌گویم. بابک عباسی و علی

مهجور در انجام کار همیشه مشوقم بودند؛ زندگی به کامشان شود. لطف‌الله ساغروانی، مدیر محترم نشر هرمس، در مراحل انتشار کتاب با همدلی فراوان از هیچ کمکی فروگذار نکرد؛ روزگارش به تدرستی بگذرد. علی‌اکبر شیرروانی در ویرایش زبانی کتاب سنگ تمام گذاشت؛ سرافراز بماند. صفحه‌آرایی کتاب با شعله قنادی و امور فنی آماده‌سازی کتاب با الهام اخوان شاد بود؛ خوشی‌شان افزون و بهروزی‌شان پایدار. از خوانندگان گرامی‌ام درخواست می‌کنم به رسم فیلسوفان کتاب را «نقادانه» بخوانند. و مرا با ایمیل به نشانی mansour.shams66@gmail.com در جریان دیدگاه‌هایشان بگذارند.

منصور شمس

تابستان ۱۳۹۷

پیش گفتار ویراست دوم

معرفت‌شناسی یکی از پرتأثیرترین زمینه‌های فلسفی است. جستجو و پژوهشی هرچند کوتاه نیز آشکار می‌سازد که پیدایش بسیاری نگرش‌های تازه در همه‌ی زمینه‌ها - مستقیم یا غیرمستقیم - به دگرگونی‌هایی در دیدگاه‌های معرفت‌شناختی آدمی ارتباط داشته و همچنان نیز دارد. در واقع نمی‌توان و نباید دامنه‌ی تأثیر و نفوذ مبانی معرفت‌شناختی را تنها به تأثیر انکارناپذیر آن در تنوع نگرش‌های فلسفی محدود کرد. این واضح‌ترین و بنیادی‌ترین تأثیر معرفت‌شناسی به شمار می‌رود. دقیق‌تر آن است که بگوییم معرفت‌شناسی در همه‌ی جنبه‌های گوناگون زندگی مؤثر و پرنفوذ است. به بیان دیگر، در هر مردی که پای معرفت آدمی و باورهایش در میان است، از چگونگی تأثیر معرفت‌شناسی نیز می‌توان سخن گفت.

آدمی از روزگاران کهن به تبیین پدیده‌ها و رخدادهای پیرامون خودش علاقه نشان داده است. علت‌یابی درباره‌ی رخداد امور، گذشته از جذایت نظری آن، به او در پیش‌بینی امور آینده نیز کمک شایانی می‌کرده است. از همین راه آدمی همواره کوشیده و هنوز نیز می‌کوشد، تا جهان را بهتر و بیشتر بشناسد. با این حال، یکی از مهم‌ترین نکته‌ها در این میان این است که روشن کنیم این تبیین‌ها و علت‌یابی‌ها چگونه باید انجام شود. آدمی از دوران گذشته تا کنون درباره‌ی پدیده‌ای واحد، هم بر اساس شواهد، دلایل و قرایین به تبیین پرداخته و هم به اتکای افسانه، اسطوره و رؤایا. ترجیح یکی از این دو نحوه‌ی تبیین بر دیگری همان نکته‌ای است که پای معرفت‌شناسی را به میان می‌کشد. جالب است که حتی مربنندی بین این دو نحوه‌ی تبیین نیز خود به گونه‌ای محصول فعالیتی معرفت‌شناختی است. از همین روی،

امروزه اگر از انسان بدوى و انسان جدید (و یا گاه از انسان سنتى و انسان مدرن) سخن می‌گوییم، ریشه‌های این تقسیم‌بندی را باید در همان مرزبندی‌های ژرفتر در معرفت‌شناسی بجوييم. در واقع انسان از زمانی بر دیگرگون ساختن جهان و تغيير مناسبات خودش با همین جهان توفيق يافت که تصميم گرفت هم جهان و هم خودش را به گونه‌ای دیگر بشناسد. اين يکي از کلیدهای اصلی در تحليل سرگذشت بشر در دوره‌های مشخص تاریخي است. با اين نگاه، هنوز تيز دگرگونيهای کلان در زندگی بشر، آن هم به سبب تغيير در ديدگاههای معرفت‌شناسي، نكته‌اي بس ژرف قرار دارد؛ اما فراسوی همه‌ی تأثيرهای معرفت‌شناسی، نكته‌اي بس ژرف قرار دارد؛ نكته‌اي که تا اندازه‌ی زیادی به سلوک عالمان ربط پیدا می‌کند. معرفت‌شناسی بيش از هر چيز به ما می‌فهماند که حیطه‌ی دانش و تواناني ماتا چه اندازه است. مهم‌ترین پيامد بررسی‌های معرفت‌شناستی اين است که آدمی می‌تواند در باره‌ی تواناني‌های شناختی اش ارزیابی معتمدل تر و واقع‌بینانه‌تری داشته باشد. تأمل و رزی معرفت‌شناستی آدمی را وامی دارد تا فوتانه ادعایی همه‌چیزدانی را وانهد. فروتنی برآمده از ممارست با معرفت‌شناسی، از گونه‌ی فروتنی حاصل از پند و اندرز ناصحان نیست، بلکه برخاسته‌ی از نگاه متأملانه به کاستی‌ها و محدودیت‌هایی است که هماره با آنها ملازمت داشته و همراهیم. بی‌ترديد رسیدن به اين موقف را باید پرجاذبه‌ترین و مهم‌ترین اثر اين گونه فعالیت شمرد.

معرفت‌شناسی امروزه زمینه‌ای پردامنه و گسترش‌يافته است. شاهد بر اين مدعاع انبوه آثار - اعم از کتاب یا مقاله - درباره‌ی پرسش‌های گوناگون معرفت‌شناستی است که در دنيا اى معاصر پيوسته انتشار یافته و شمار آنها تيز رو به فزواني است. با اين حال، اين زمینه‌ی فلسفی در اين مرزو بوم هنوز گام‌های ابتدائي را نيز نپيموده است. آثار فارسي در معرفت‌شناسی چنان كم‌شمار و پراکنده است که حتی از تکوين معرفت‌شناسی در محافل فلسفی نمی‌توان سخن گفت، تا چه رسد به رشد، گسترش و نظریه‌پردازی مؤثر در اين باب. هنوز هیچ متن درسي در خصوص معرفت‌شناسی را - نه در سطح ابتدائي و نه پيشرتفته - در فارسي نمی‌توان یافت. تك نگاشت‌هایی هم که گاه درباره‌ی بعضی مستله‌های معرفت‌شناستی تولید شده آنقدر کم تعداد

است که هیچ پایه‌ی مناسبی برای جدیت بخشیدن به بحث‌های گوناگون این زمینه فراهم نمی‌کند. البته بگذریم از اینکه به تازگی‌به‌هر دلیل‌بعضی از اصطلاح‌های معرفت‌شناختی از راه ترجمه‌ی بعضی از آثار فلسفه‌های معاصر بر سر زبان‌ها افتاده و درست و نادرست به کار برده می‌شوند. ظاهرا نمی‌توان این پدیده‌ی اخیر را شدو نظریه‌پردازی نام نهاد!

به گمانم، در چنین اوضاع و احوالی، پیش از هر چیز به کتابی در معرفت‌شناسی نیاز است که از سویی بتواند دست کم ساده‌ترین چیزها را در معرفت‌شناسی معاصر بازگوید و از دیگر سوی، متناسب با شرایط ذهن خوانندگی فارسی‌زبان نوشته شده باشد. البته پیشاپیش روشن است که چنین چیزی را نمی‌توان از ترجمه‌ی آثار معرفت‌شناسی انتظار داشت. آثار معرفت‌شناسی‌خواصه‌آثاری که در زبان انگلیسی فراهم آمده‌اند‌هر اندازه‌هم که خوب و بدقت نوشته شده باشند، از ایفای چنین نقشی بازمی‌مانند؛ زیرا این آثار در جنبه‌های گوناگونی به وضعیت ذهنی خوانندگاه خود، از جمله سطح اطلاعات آنها، وفادار مانده‌اند و به همین سبب، بعضاً متناسب با شرایط خوانندگان فارسی‌زبان نیستند. ظاهراً در ایجاد بستری مناسب برای این مهم، ترجمه‌ها تنها می‌توانند نقش مکمل داشته باشند. به همین سبب بود که چند سال پیش دست به کار تألیف کتابی با مشخصه‌های پیش‌گفته شدم. بهزودی دو نکته‌ی بسیار مهم برایم آشکار شد؛ نخست اینکه یکی از دشوارترین کارها نوشتن کتابی آسان است و دوم اینکه هم شرایط ذهن فارسی‌زبانان و هم امکانات زبان فارسی با چه محدودیت‌هایی روپرست. افزون بر این، تهیه و تولید متون آموزشی در هر زمینه‌ای از دانش، جدای از داشتن اطلاع کافی از مفاهیم و مسئله‌های مطرح در آن زمینه، نیازمند مهارت‌های گوناگون دیگری نیز است.

به هر روی، مقصود اصلی ام از همان آغاز این بود که خواننده در کتابی با زبان بومی بتواند با ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین مفاهیم و مسئله‌های معرفت‌شناختی آشنا شود. با این رویکرد، مخاطب اصلی کتاب راهمه‌ی خوانندگانی قرار دادم که با داشتن پیش‌زمینه‌ی متعارف فلسفی برآن‌اند، تا در معرفت‌شناسی گام‌های نخست را بردارند. از همین روی، برای بیان مسئله‌ها هم از بیانی نسبتاً ساده و روان و هم